**( 122 )**

**هو المشفق فی ملکوت الانشاء**

هیکل عالم از مصدرایجاد چون صورت و هیئت آدم موجود شده و فی الحقیقه مرآت یکدیگرند چون ببصر بصیرت نگری یعنی همچنانکه هیکل انسانی در عالم وجود ظاهرا مرکب از اعضا و جوارح مختلفه و در حقیقت هیئت جامعه و مربوط یکدیگر است بهمچنین جسم عالم حکمش حکم شخص واحد که اعضا و اجزایش مربوط یکدیگر است دارد چنانچه اگر بدیده‌ئی که کاشف حقائق است ملاحظه شود مشهود گردد که اعظم روابط عالم ایجاد سلسله موجودات است و تعاون و تعاضد و تبادل از خواص ملازمه هیئت جامعه عالم وجود است زیرا جمیع وجود بهم مربوط است هر شیئی از اشیاء متأثر و مستفید از دیگری اگر رأسا نباشد بالواسطه محقق مثلا ملاحظه نمائید که قسمی از موجودات نبات و سنخی حیوانات از این دو هر یک از جزئی از اجزاء موجوده در هوا استفاده ‌می‌نماید که سبب حیات اوست و هر یک سبب ازدیاد آن جزئیست که ماده حیات دیگریست یعنی بجهت نبات نشو و نمائی بدون حیوان ممکن نه و از برای حیوان حیاتی بدون معاونت نبات متصور نه و همچنین کافه موجودات روابطش بر این منوال است این است که بیان شد که تعاون و تبادل از خواص هیئت جامعه عالم وجود است و بدون او وجود معدوم و در مراتب وجود در قوس صعود آنچه برتبه اعلیتر نگری شئون و آثار حقیقت تعاون و تعاضد را در رتبه مافوق اعظم از رتبه مادون مشاهده نمائی مثلا آثار باهره این شأن قویم را در عالم نبات اعظم از عالم جماد و در رتبه حیوان اکبر از رتبه نبات ملاحظه کنی تا آنکه در عالم انسانی این امر عظیم را از جمیع جهات در منتهای اتقان مشهود بینی چه که در این رتبه تعاون و تعاضد و تبادل محصور در جسم و جسمانیات نبوده بلکه در جمیع مراتب و شئون ظاهری و معنوی از عقول و افکار و آراء و اطوار و آداب و آثار و ادراکات و احساسات و سائر احوال انسانی این روابط متینه را در منتهای محکمی ادراک نمائی و آنچه این روابط متانت و ازدیاد بیشتر یابد جمعیت بشریه در ترقی و سعادت قدم پیشتر نهد بلکه فلاح و نجاح بجهت هیئت جامعه انسانیت بدون این شئون عظیمه محال است حال ملاحظه فرمائید که این امر خطیر مادامی که بین نفوسی که مظاهر حقائق کونیه هستند باین درجه مهم است آیا فیمابین جواهر وجودیکه در ظل سدره ربانیه و مظاهر فیوضات رحمانیه هستند چگونه باید تعاون و تعاضد بمنتهای همت بروح و ریحان در جمیع مراتب وجود و شهود و حقایق و معانی و معاش و معاد ظاهر گردد شبهه‌ئی نیست که حتی جانرا در راه یکدیگر فدا کنند و اساس حقوق الله اینست چه که در سبیل این شئون صرف میشود و الا حق لم یزل مستغنی از مادون بوده و خواهد بود و همچنانکه کل اشیارا از فضل و عنایات بی‌منتهایش با نصیب فرموده مقتدر بر آنست که احبایش را از خزائن قدرت غنی فرماید ولکن نظر باین حکمت است که عند الله امر انفاق محبوب بوده که نسبتش فی الحقیقه الی الله گشته فاستبشروا یا اولی الانفاق و از فضل و الطاف بی‌نهایت حضرت سلطان احدیت امیدواریم که در این کور اعظم جمیع شئون رحمانیه در بین بندگان الهی بقسمی ظاهر شود که جمیع آفاق را رایحه طیبه‌اش معطر نماید این مطلب بسیار تفصیل دارد باختصار گذراندیم مبلغی را که نزد جناب استاد اخوی علیه بهاء الله ایفاد نمودید در درگاه احدیت مقبول و سبب لطف عظیم شد